

بازخوانی نظریه ابن تیمیه درباره حدیث «باب»

و نقد آن با تکیه بر منابع اهل سنت

محسن رفیعی*

معصومه شریفی**

چکیده: حدیث «باب» یا حدیث «مدینه العلم»، به نقل از رسول خدا ﷺ در شأن امیرمؤمنان امام علی علیه السلام، با طرق گوناگون و سندهای صحیح و حسن در منابع اهل سنت وارد شده است. این حدیث، جایگاه والا و گستره مرجعیت علمی آن حضرت را نشان می‌دهد. ابن تیمیه، با تکیه بر نظر ابن جوزی، به تکذیب سند و توجیه متن حدیث «باب» پرداخته است. بررسی سیره ابن تیمیه در برخورد با فضایل اهل بیت رسول ﷺ، نشان داده که وی با اعتماد به استدلالهای ناستوار، نسبت به فضیلت سوزی و مرجعیت زدایی از اهل بیت علیهم السلام و فضیلت‌سازی و مرجعیت‌نمایی برای دیگران همت گمارده است. سخنان ابن تیمیه، به دلیل ناسازگاری با مسلمات تاریخی و منابع

*. عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (تربیت معلّم آیت الله طالقانی - قم)
**. عضو هیأت علمی مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (تربیت معلّم حضرت معصومه - قم)



اهل سنت، پذیرفتنی نیست و قابل نقد است.

کلیدواژه‌ها: حدیث «باب» / حدیث «مدینه العلم» / امام علی علیه السلام /

مرجعیت علمی / ابن تیمیه.

بیان مسأله

مسئلهٔ اعلیّت و مرجعیّت علمی امام علی علیه السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، از مسائل مطرح در میان مسلمانان است؛ به گونه‌ای که از دیرباز، توجه بسیاری از محدّثان، مفسّران، متکلمان، فقیهان و تاریخ‌نگاران را به خود معطوف نموده است. طرفداران نظریهٔ اعلیّت و مرجعیّت علمی امام علی علیه السلام برای اثبات دیدگاه خویش، به دلایل قرآنی و روایی استناد کرده‌اند که حدیث «باب» یا حدیث «مدینه العلم»، یکی از همان دهها دلایل روایی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث «باب»، خویش را «شهر علم»، و امیرمؤمنان امام علی علیه السلام را «دروازهٔ این شهر» معرفی کرده است. ابن تیمیه، حدیث «باب» را ساختگی می‌داند. وی، پس از تکذیب سند، به توجیه متن حدیث پرداخته است. قرطبی نیز با پیروی از ابن تیمیه، ضمن باطل انگاشتن این حدیث، آن را ساخته و پرداختهٔ شیعه می‌داند؛ سپس در توجیه دیدگاه خویش، این‌گونه می‌نویسد: «پیامبر شهر علم است و یارانش درهای آن». اساسی‌ترین مسئله در این پژوهش، بررسی حدیث یاد شده بر اساس دیدگاه اهل سنت است. اینک در پی یافتن پاسخ مناسب برای این پرسشها هستیم: آیا حدیث «باب»، از اصالت برخوردار است؟ سند این حدیث، از چه درجه‌ای از صحّت در منابع اهل سنت برخوردار است؟ دلایل ابن تیمیه در تکذیب سند و توجیه متن حدیث یاد شده چیست؟ آیا دلایل وی استوار است؟ نقدهای وارد بر نظریهٔ ابن تیمیه چیست؟

نیم‌نگاهی بر دیدگاه ابن تیمیه درباره حدیث «باب»

۱. تکذیب سند

ابن تیمیه، در جواب علامه حلی که به برخی از آیات و روایات، از جمله حدیث «باب»، برای اثبات افضلیت و اعلمیت امیر مؤمنان امام علی علیه السلام استناد کرده؛ می‌نویسد: «و این حدیث [حدیث باب] ضعیف‌تر و سست‌تر [از آن دلایلی است که برای اثبات افضلیت و امامت علی آورده شده] می‌باشد؛ لذا در زمره احادیث جعلی به شمار می‌آید؛ گرچه آن را ترمذی روایت کرده ولی ابن جوزی آن را ذکر کرده و بیان نموده که تمام طرق آن جعلی است و دروغ بودنش از خود متن نیز شناخته می‌شود».

۲. توجیه متن

وی پس از تکذیب سند، در پی توجیه متن برمی‌آید و می‌گوید: «اگر پیامبر، شهر علم باشد و برای آن، یک در وجود داشته باشد، تنها یک علم از آن تبلیغ می‌شود و امر اسلام تنها یک مبلغ از سوی پیامبر برای علم خواهد داشت؛ بلکه واجب است به تواتر از سوی مبلغان باشد...»^۱.

قرطبی نیز با پیروی از ابن تیمیه، حدیث «باب» را حدیثی باطل می‌داند و معتقد است که: «پیامبر صلی الله علیه و آله شهر علم است و یارانش درهای آن؛ پس برخی از آنان بر اساس جایگاهشان در علوم، دری باز و یا متوسط‌اند.

اما آن که گفته آنان همه مؤمنان هستند، راست گفته؛ زیرا هر مؤمنی کتاب را می‌داند و وجه اعجازش را درک می‌کند و به راستی پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهد».^۲



۱. ابن تیمیه، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة، ج ۴، ص ۲۱۶ و ۲۱۷.
۲. قرطبی، ج ۹، ص ۳۳۶ و ۳۳۷ (در پاورقی آمده است: «جزم ابن تیمیه بآنکه من وضع الشیعة»).

گذری بر مجموعه احادیث «باب»

دیدیم که ابن تیمیه، به تکذیب سند و توجیه متن حدیث «باب» پرداخته است. اکنون بینیم حدیث «باب» چیست و از چه جایگاهی نزد اهل سنت برخوردار است؛ تا از این مسیر، میزان صداقت ابن تیمیه روشن شود.

مجموعه احادیث «باب» را که رسول خدا ﷺ در شأن امیر مؤمنان امام علی علیه السلام فرموده است، با سه دسته از الفاظ می توان در منابع حدیثی دید: ۱- **أنا مدينة العلم و علی بابها؛** ۲- **أنا مدينة الحكمه و علی بابها؛** ۳- **أنا دار الحكمه و علی بابها.** بسیاری از محدثان، مفسران و تاریخ نگاران نقل کرده اند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«أنا مدينة العلم و علی بابها؛ فَن أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلِيَاتِ الْبَابَ»

حاکم نیشابوری، حدیث یاد شده را با اسناد خویش، از ابن عباس، از رسول خدا ﷺ نقل کرده؛ سپس می نویسد: «هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یُخرجاه»^۱. این روایت، با الفاظی دیگر نیز نقل شده است؛ از جمله:

«أنا مدينة العلم و علی بابها؛ فَن أَرَادَ الْعِلْمَ فَلِيَاتِ الْبَابَ»^۲

۱. حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۶ و ۱۲۷ (به نقل از: ابن عباس)؛ متقی هندی، ج ۱۳، ص ۱۴۸.
 ۲. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین: ج ۳، ص ۱۲۷ (به نقل از: جابر بن عبدالله)؛ سیوطی، الجامع الصغیر: ج ۱، ص ۴۱۵؛ مناوی، فیض القدر شرح الجامع الصغیر: ج ۳، ص ۶۰ و ۶۱ (مناوی، پس از نقل حدیث آورده است: فَإِنَّ الْمَصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةَ الْجَامِعَةَ لِمَعَانِي الدِّيَانَاتِ كُلِّهَا أَوْ لِأَبْدٍ لِلْمَدِينَةِ مِنْ بَابٍ فَأَخْبِرُ أَنَّ بَابَهَا هُوَ عَلِيٌّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ، فَمِنْ أَخَذَ طَرِيقَهُ دَخَلَ الْمَدِينَةَ وَمَنْ أَخْطَأَهُ أَخْطَأَ طَرِيقَ الْهُدَى وَقَدْ شَهِدَ لَهُ بِالْأَعْلَمِيَّةِ الْمَوْافِقِ وَالْمُخَالَفِ وَالْمَعَادِي وَالْمُحَالَفِ... صَحَّحَهُ وَكَذَّأَبُو الشَّيْخِ [ابن حبان] فِي السَّنَةِ كُلِّهِمْ [عن ابن عباس] ترجمان القرآن، عن [جابر بن] عبدالله ورواه أحمد بدون «فمن». قال الذهبي كابين الجوزي: موضوع. وقال أبو زرعة: كم خلق افتضحوا به. قال ابن معين: لا أصل له. وقال الدار قطني: غير ثابت. وقال الترمذي عن البخاري: منكر و تعقبه جمع أئمة منهم الحافظ العلاءي فقال: من حكم بوضعه فقد أخطأ والصواب أنه حسن باعتبار طرقه لا صحيح ولا ضعيف وليس هو من الألفاظ المنكرة الذي تأبها العقول... وقال الزركشي: الحديث ينتهي إلى درجة الحسن المحتج به ولا يكون ضعيفاً فضلاً عن كونه موضوعاً وفي لسان الميزان هذا الحديث له طرق كثيرة في المستدرک أقل أحوالها أن يكون



«أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها؛ فمن أراد العلمَ فليأتها من بابها»^١

«أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها؛ فمن أراد العلمَ فليأتته من بابها»

«أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها»^٢

← للحديث أصل و لا ينبغي إطلاق القول عليه بالوضع. و رواه الخطيب في التاريخ باللفظ المزبور من حديث ابن معاوية عن الأعمش عن مجاهد عن ابن عباس ثم قال: قال القاسم: سألت ابن معين عنه فقال: هو صحيح. قال الخطيب: قلت أراد أنه صحيح من حديث أبي معاوية و ليس بباطل إذ رواه غير واحد عنه و أفتى بحسنه ابن حجر و تبعه البخاري فقال: هو حديث حسن؛ عجلوني، كشف الخفاء: ج ١، ص ٢٠٣ و ٢٠٤ (با این لفظ: «فمن أتى»؛ حاكم حسكاني، ج ١، ص ١٠٤ نیز بنگرید: صدیق مغربی، «فتح الملك العلي»؛ عبقات الأنوار، مجلد حديث مدينة العلم).

١. حاكم نیشابوری، ج ٣، ص ١٢٧ (به نقل از: ابن عباس)؛ عبدالله بن الصديق المغربي، رد اعتبار الجامع الصغير: ص ١٥ (أنا مدينة العلم و عليُّ بابها فمن أراد العلم فليأت بابها. قال الألباني: موضوع. و قال الشيخ بل صحيح)؛ ابن أبي الحديد معتزلي، ج ٧، ص ٢١٩.

طبرانی، ج ١١، ص ٥٥؛ هيثمي، ج ٩، ص ١١٤ (به نقل از: ابن عباس)؛ حاكم حسكاني، ج ١، ص ٤٣٢ (به نقل از: امام علي عليه السلام).

٢. زمخشري، ج ٢، ص ١٦؛ الفتنى، ص ٩٥ (أورده من حديث علي و ابن عباس و جابر قلت قد تعقب العلائي علي ابن الجوزي في حكمه بوضعه ينتهي بطرقه إلى درجة الحسن فلا يكون ضعيفاً فضلاً عن أن يكون موضوعاً و قال ابن حجر صححه الحاكم و خالفه ابن الجوزي فكذبه و الصواب خلاف قوله و الحديث حسن لا صحيح و لا كذب)؛ مناوي، ج ١، ص ٤٩ («أنا مدينة العلم و عليُّ بابها» أى به يتوصل و قد يقال أبواب الجنة و أبواب جهنم للأسباب الموصلة إليها)؛ سقاف، ج ٣، ص ٨٣-٨١ (صححه ابن معين كما في «تاريخ بغداد»، و الإمام الحافظ ابن جرير الطبري في «تهذيب الآثار» مسند سيدنا علي و الحافظ العلائي في «التقد الصحيح»، و الحافظ ابن حجر و الحافظ السيوطي كما في «اللئالي المصنوعة»، و الحافظ السخاوي كما في «المقاصد الحسنة»)؛ علوي، ص ٣ و ١٠ و ١١ (ابن حديث را صحيح دانسته و در شرح اين دو حديث: «أنا مدينة العلم و عليُّ بابها» و «أنا دار الحكمة و عليُّ بابها» أورده است: «يقيد أن جميع ما في المدينة و الدار من العلم و الحكمة يكون طريق خروجه من هذا الباب. و لهذا جاء بعده: فمن أراد العلم أو قال الحكمة فليأت الباب. و هذا فيه حصر ادعائي، و هو يفرض أن عدى المقصور عليه في حكم المعدوم، و هو في الحقيقة ليس بمعدوم. و ذلك إذا علم أن أحداً وصل في وصف الغاية و الذروة جاز أن يحصر هذا علي وجه المبالغة، كأنه و حيد فيه، مع أن الحقيقة غير ذلك، فيكون هذا الباب الذي يخرج منه علم المدينة أو الذي يخرج منه حكمة الدار هو علي عليه السلام، مبالغة، مع أن غير علي يشارك علياً من الأخذ عن طريق هذا الباب من علم المدينة أو حكمة الدار، لكن لما كان أكثر علم هذا الباب يحمله علي عليه السلام، أطلق عليه أنه الباب، و يرجع ذلك إلى أن علياً أعلم الصحابة)؛ حاكم حسكاني، ج ١، ص ١٠٧ (به نقل از: امام علي عليه السلام)؛ راغب، ص ٦٤ (أى به يتوصل).

«أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها؛ فَن أراد المدينةَ فليأتها مِن أبها»^۱

«أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها؛ فَن أراد الدارَ فليأتها مِن قبل أبها»^۲

«أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها؛ فَن أراد العلمَ فليأتها مِن أبها»^۳

«أنا مدينة العلم و عليُّ بأبها؛ فَن أراد العلمَ فلياتِ بابِ المدينة»^۴

حدیث «باب»، بیانگر دو نکته اساسی است: یکی اینکه رسول خدا ﷺ، یگانه شهر، برای همه علوم دین است؛ دیگر اینکه امیرمؤمنان علیؑ نیز یگانه در، برای این شهر است. هرکس بخواهد جرعه‌ای از اقیانوس علم پیامبر ﷺ را بنوشد، باید از شریعه امام علیؑ بگذرد. این حدیث، یکی از بهترین نشانه‌ها بر اعلمیت و مرجعیت امام علیؑ در امت پیامبر ﷺ است.

از ابن عباس نقل می‌کنند که رسول خدا ﷺ فرموده است:

«أنا مدينة الحكمة و عليُّ بأبها»^۵

نیز از امام علیؑ و ابن عباس نقل می‌کنند که رسول خدا ﷺ فرموده است:

«أنا دارُ الحكمة و عليُّ بأبها»^۶

۱. متقی هندی، ج ۱۳، ص ۱۴۷ (به نقل از ابن عباس).

۲. حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۵ (به نقل از ابن عباس مرفوعاً)؛ أحمد بن الصدیق المغربي، ص ۴۴ (با سند از ابن عباس).

۳. حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۶ (به نقل از امام علیؑ).

۴. حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۷ (از امام علیؑ).

۵. أحمد بن الصدیق المغربي، ص ۴۳.

۶. ترمذی، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۰۱ (ترمذی نوشته: هذا حدیث غریب منکر روی بعضهم هذا الحدیث عن شریک و لم یذکروا فيه عن الصنابجی و لا نعرف هذا الحدیث عن أحد من الثقات غیر شریک)؛ ألبانی، ص ۵۰۱؛ مبارکفوری، ج ۱۰، ص ۱۵۵ و ۱۵۶ (درباره این سخن ترمذی: «هذا حدیث غریب منکر» می‌نویسد: اختلف أهل العلم فی هذا الحدیث فقال ابن جوزی و غیره إنه موضوع و قال الحاکم و غیره إنه صحیح. قال الحافظ ابن حجر و الصواب خلاف قولهما معا و أن الحدیث من قسم الحسن لا یرتقی إلى الصحّة و لا ینحط إلى الکذب...): أبوعلی موصلی، ج ۲، ص ۵۸؛ سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۴۱۵؛ متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۰۰ و ج ۱۳، ص ۱۴۷؛ حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ عبدالله بن

علاوه بر نسبت میان «مدینه» با «دار» و «علم» با «حکمت»، از این دو مجموعه حدیث به دست می آید که پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، یگانه شهر و خانه همه علوم است؛ و از آنجا که بهترین محافظ برای آن، دیوار و حصار آن است و برای رسیدن به درون، چاره ای جز ورود از مسیر دروازه آن نیست؛ پس هرکس این دروازه را یافت و از آن پیروی کرد، به درون شهر نیز راه می یابد و هرکس به خطا رفت، به درون شهر نیز راه نخواهد یافت.

از این احادیث می توان فهمید که امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام بهترین مرجع و راهنما برای دستیابی به همه شریعت است که سرچشمه اش نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. افزون بر مجموعه احادیث «باب»، احادیث دیگری نیز از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره جایگاه علمی امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که می تواند تفسیری برای حدیث «باب» باشد. برخی از این احادیث، چنین است.

الف) حدیث «عیبه علمی»

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«عَلِيٌّ عَيْبَةٌ عِلْمِيَّةٌ»^۱

مناوی، در «فیض القدير شرح الجامع الصغير»، حدیث یاد شده را این گونه تبیین می کند:

← الصديق المغربي الغماری، ص ۱۵ (قال الألبانی: موضوع و قال الشيخ ضعيف): أحمد بن الصديق المغربي، ص ۴۴ (از ابن عباس)، ص ۵۳ و ۵۴ (با چهار طریق از امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام). و قال ابن جریر: هذا خبر عندنا صحيح سنده؛ علوی، ص ۳ و ۱۰ و ۲۰؛ مناوی، ج ۳، ص ۶۰ (آورده است: «أنا دارالحكمة» و فی روایة أنا مدينة الحكمة «و علي بابها» أي علي بن أبي طالب هو الباب الذي يدخل منه إلى الحكمة فناهيك بهذه المرتبة ما أسناها و هذه المنقبة ما أعلاها)؛ عجلونی، ج ۱، ص ۲۰۳ (به نقل از: امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام)؛ علوی، (این حدیث را صحیح دانسته است).

۱. ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۳۸۳ و ۳۸۴ (با اسناد خویش)؛ ذهبی، ج ۲، ص ۳۲۷؛ موفق خوارزمی، ص ۸۷؛ سیوطی، ج ۲، ص ۱۷۷؛ عبدالله بن عدی، ج ۴، ص ۱۰۱ (با ذکر سند)؛ ابن أبي الحديد، ج ۹، ص ۱۶۵ (گاهی نیز فرموده است: «خازن علمی»؛ علوی، ص ۷۲؛ إربلی، ج ۱، ص ۹۰؛ قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۱۵۹ و ۳۸۹ و ۳۹۰؛ ج ۲، ص ۷۷ و ۹۶.

أى مظنة استفصاحى و خاصتى و موضع سرى و معدن نفائسى. و العيبة ما يجرز الرجل فى نفائسه. قال ابن دريد: و هذا من كلامه الموجز الذى لم يسبق ضرب المثل به فى إرادة اختصاصه بأمره الباطنة التى لا يطلع عليها أحد غيره و ذلك غاية فى مدح عليّ و قد كانت ضمائر أعدائه منظوية على اعتقاد تعظيمه و فى شرح الهمزية: أن معاوية كان يرسل يسأل علياً عن المشكلات فيجيبه فقال أحد بنيه: تجيب عدوك قال: أما يكفيننا أن احتاجنا و سألنا.^۱

نيز از ابو سعید خدری نقل می کنند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«إن عيبتي التي آوى إليها أهل بيتي». (ابن سعد، ج ۲، ص ۲۵۱ و ۲۵۲؛ سيوطي،

ج ۳، ص ۲۷۰)

از سخن رسول خدا ﷺ و مطالب یاد شده، به دست می آید که امیرمؤمنان امام علی و سایر اهل بیت (علیهم السلام)، صاحبان سرّ و کلید داران خزینة علم رسول خدا ﷺ هستند و کسانی که این گونه اند، بهترین مرجع برای امت پس از پیامبرش خواهند بود.

(ب) حدیث «باب علمی»

از ابوذر نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«علیُّ بابٌ علمی و مبینٌ لأمتی ما أرسلتُ به من بعدی، حُبُّه إیمانٌ و بُغْضُهُ نفاقٌ و النظرُ إليه رافَةٌ».^۲

۱. مناوی، ج ۴، ص ۴۶۹ و ۴۷۰. نیز راغب اصفهانی در «المفردات فی غریب القرآن»: ص ۳۵۱،

اصطلاح «عیبة» را به معنای «موضع سرّ» معنا کرده است.

۲. عجلونی، ج ۱، ص ۲۰۴؛ متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۱۴ و ۶۱۵؛ أحمد بن الصدیق المغربي، ص ۴۷؛

نیز، نک: ایربلی، ج ۱، ص ۹۲؛ صالحی شامی، ج ۱۱، ص ۲۹۳؛ قندوزی حنفی، ج ۲، ص ۲۴۰ و ۳۰۱ (این

لفظ را اضافه دارند: «...و مودّته عبادة»؛

نیز، ر.ک: موفق خوارزمی، ص ۱۲۹؛ قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۳۹۲ (با این لفظ: «... و أنت باب

علمی...»؛ أحمد بن الصدیق المغربي، فتح الملك العلی بصحة حدیث باب مدینة العلم علی: ص ۴۷

(علی باب علمی و مبین لأمتی ما أرسلتُ به من بعدی).

نیز از ابن عبّاس نقل می‌کنند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«أتانی جبریل بدرنوك من الجنة، فجلست عليه، فلما صرت بين يدي ربي
كلمني و ناجاني فما علمت شيئاً إلا علمته علياً، فهو باب علمي، ثم دعا إليه
فقال: يا علي سلمك سلمى، و حزبك حربى، و أنت العلمُ فيما بينى و بين
أمتى»^۱

نیز عکرمه از ابن عبّاس نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ به عبدالرحمن بن عوف
فرمود:

«يا عبدالرحمن [بن عوف] إنكم أصحابي، و عليّ بن أبي طالب أخى و منى و
أنا من عليّ، فهو باب علمى و وصيى، و هو و فاطمة و الحسن و الحسين هم
خيرُ الأرضِ عنصرأً و شرفاً و كرمأً»^۲.

این حدیث نیز مانند مجموعه احادیث «باب»، بیانگر جایگاه والای علمی و
مرجعیت امام علی عليه السلام در میان امت است و افزون بر آن، امام عليه السلام را مبین وحی الهی
پس از پیامبر خاتم عليه السلام بر می‌شمرد و محبت به او را ایمان، و کینه به او را نفاق
می‌داند. نیز آشتی و جنگ با او را آشتی و جنگ با پیامبر عليه السلام می‌خواند و بیان می‌کند
که او و فاطمه و حسن و حسین عليهم السلام، بهترین نشانه میان آن پیامبر و امت هستند. از
همین رو است که اهل بیت رسول خدا عليه السلام، بهترین مرجع علمی در میان امت پس از
آن گرامی هستند.

ج) حدیث «عتبة علمی»

از ابن عبّاس نقل می‌کنند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«عليّ عتبةٌ علمى» (صالحی شامی، ج ۱۱، ص ۲۹۷؛ متقی هندی، ج ۱۱، ص ۶۰۳؛

۱. قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۲۱۷ (به نقل از موفق بن أحمد خوارزمی و با ذکر سند از او).
۲. قندوزی حنفی، ج ۲، ص ۳۳۳. نیز از ابن عدی نقل شده است: «عليّ باب علمى» ر.ک: همان: ص
۳۹۳.

احمد بن الصدیق المغربي، ص ۴۷)

این حدیث، امام علیه السلام را آستانه و ورودگاه علم پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند و همان نتایجی که از احادیث گذشته گرفته شد، برای این حدیث نیز صادق است. از این حدیث، نیز می‌فهمیم که بهترین مرجع برای امت، امیرمؤمنان امام علی و سایر اهل بیت علیهم السلام - به عنوان شاگردان اول مکتب رسول خاتم صلی الله علیه و آله - هستند.

بررسی سند و متن حدیث «باب» از دیدگاه منابع اهل سنت

بررسی سند

ذیل حدیث «باب»، بیان شد که حاکم نیشابوری، حدیث یاد شده را با اسناد خویش، از ابن عباس نقل کرده؛ سپس می‌نویسد: «هذا حدیث صحیح الإسناد و لم یخرجاه». (حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۲۷)

برخی از حدیث شناسان، ضمن این‌که بر ابن جوزی اشکال کرده‌اند، بر این باورند که «این حدیث به درجه حسن منتهی می‌شود و ضعیف نیست؛ چه رسد به این‌که موضوع باشد. و ابن حجر گفته که حاکم آن را صحیح دانسته و ابن جوزی با وی مخالفت کرده و کذبش دانسته؛ ولی صواب، بر خلاف قول آن دو است و حدیث حسن است؛ نه صحیح و نه کذب». (الفتنی، ص ۹۵)

ابن حجر می‌گوید: «این حدیث، طرق فراوان در مستدرک حاکم دارد و کمترین احوال این حدیث، این است که اصل دارد و شایسته نیست که موضوع دانسته شود». (ابن حجر، ج ۲، ص ۱۲۳)

مناوی، می‌نویسد که ابن جوزی، ذهبی، ابوزرعه و ابن معین، این حدیث را موضوع، غیر ثابت و بدون اصل دانسته‌اند، و می‌افزاید: «أبو الشیخ [ابن حبان] این حدیث را صحیح دانسته... و گروهی از امامان، از جمله حافظ علایی از او پیروی کرده، گفته است: هر کس حکم به وضع این حدیث بدهد به خطا رفته، و صواب آن است که به اعتبار طرُقش، حسن است؛ نه صحیح و نه ضعیف. و از الفاظ منکری

نیست که عقلها آن را برنتابد... زرکشی نیز گفته: این حدیث، به درجه حسن می‌رسد و می‌توان به آن احتجاج کرد و ضعیف نیست؛ چه رسد به آنکه موضوع باشد. نیز در لسان المیزان، برای این حدیث، طُرق فراوان از مستدرک وجود دارد که کمترین احوالش این است که این حدیث، اصل دارد و شایسته نیست که موضوع دانسته شود. و خطیب در تاریخ، حدیث را با لفظ مزبور، از معاویه بن أعمش، از مجاهد، از ابن عباس آورده، سپس می‌گوید: قاسم گفت: از ابن معین درباره این حدیث پرسیدم، گفت: صحیح است. خطیب می‌گوید: مرادش این بوده که این حدیث، از طریق ابومعاویه صحیح است و باطل نیست زیرا بسیاری از افراد از او نقل کرده‌اند و ابن حجر به حُسن این حدیث فتوا داده و بخاری نیز از او پیروی کرده و گفته: «این حدیث، حسن است». (مناوی، ج ۳، ص ۶۰ و ۶۱)

از آنچه بیان شد، به دست می‌آید که دو دیدگاه درباره حدیث «باب» وجود دارد: یکی دیدگاه نفی؛ دیگری دیدگاه اثباتی. افرادی چون ابن تیمیه، با اعتماد بر نظر ابن جوزی، این حدیث را تکذیب می‌کنند. اما حدیث شناسانی چون ابن معین و حاکم نیشابوری، حدیث را «صحیح» و یا «حسن» دانسته‌اند. با این اوصاف، کمترین درجه این حدیث شریف، نزد بسیاری از حدیث شناسان اهل سنت، این است که «حسن» است.

بررسی متن

این حدیث، یکی از بهترین نشانه‌ها بر اعلمیّت و مرجعیّت امیرمؤمنان امام علی علیه السلام در میان امت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در این باره به شرح مناوی، درباره حدیث باب اکتفا می‌کنیم. وی می‌گوید: «به راستی، مصطفی صلی الله علیه و آله، شهری جامع برای معانی همه دیانات است و ناگزیر باید این شهر را دری باشد و خبر داده است که در این شهر، همان علی کرّم الله وجهه است. پس هر آنکه راه وی را بگیرد، به شهر وارد می‌شود؛ و هر آنکه آن را گم کند، راه هدایت را گم می‌کند. و موافق و

مخالف و دشمن و همراه، همگی به اعلمیت او گواهی داده‌اند». (همان)

اکنون از جناب ابن تیمیه باید پرسید که وی با کدام استدلال، دروغ بودن این حدیث شریف را از خود متن، به دست آورده است؟! بر سخن مناوی می‌افزایم که فراوان بودن مبلغان و تواتر نقل از سوی آنان، منافاتی با آن ندارد که رسول خدا ﷺ، تبلیغ خویش را از مسیر شاگرد اول معصوم و مصون از خطای خویش گسترش دهد. این‌گونه سخنان، ریشه در نادیده انگاشتن مقام عصمت امام ﷺ و همسان انگاشتن وی یا حتی پایین‌تر دانستن آن حضرت از سایر صحابه دارد؛ به همین دلیل است که به راحتی، اجتهاد در برابر نص می‌کنند.

جالب است که بر وزن حدیث «أنا مدينة العلم و علیُّ بابها»، سخنانی «بدون سند» یا «مرفوع» یا «ضعیف» بر ساخته و به رسول خدا ﷺ نسبت داده‌اند که به دو مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. «أنا مدينة العلم و أبو بکر أساسها و عمر حیطانها و عثمان سقفاها و علیُّ بابها»
۲. «أنا مدينة العلم و علیُّ بابها و معاوية حلقتها».

عجلونی، دربارهٔ بر ساخته نخست، می‌نویسد: «الدیلمی بلا إسناد عن ابن مسعود رفعه...». همو در نقد دو سخن یاد شده و تحسین حدیث «باب» می‌نویسد: «قال فی المقاصد بالجملة فكلها ضعيفة و ألفاظ أكثرها رکیكة؛ و أحسنها حدیث ابن عباس بل هو حسن».^۱

واقعیت این است که ابن تیمیه، در برخورد با هریک از فضایل اهل بیت ﷺ، بر استدلالهای ناستوار تکیه می‌کند، مسلمات روایی و تاریخی نزد اهل سنت را نادیده می‌گیرد، به مرجعیت زدایی از ساحت مقدس اهل بیت ﷺ و مرجعیت‌سازی

۱. ر.ک: عجلونی، ج ۱، ص ۲۰۴. برای آگاهی بیشتر از حدیث «باب» و بررسی شبهات پیرامون آن، ر.ک: حسینی میلانی، ص ۲۲۶ - ۲۲۹. نیز، ر.ک: علوی، ص ۳ و ۱۰ و ۱۱؛ رضوانی، ص ۱۶۰ - ۲۰۴؛ رضوانی، ص ۸۹ و ۹۰.



در مقابل آنان، همّت می‌گمارد^۱ که حدیث «باب»، یکی از این نمونه‌ها است. نظریه وی درباره مجموعه احادیث «باب»، از دو حالت خارج نیست؛ یا این همه نظرات اهل سنت درباره صحّت و حُسن حدیث «باب» را ندیده، که پژوهشی ناتمام انجام داده و زیننده یک پژوهشگر نیست؛ و یا دیده - ولی نادیده انگاشته - که کاری نکوهیده، خارج از انصاف و به دور از اصول پژوهش علمی است.

نتیجه

با بررسی حدیث «باب» در منابع اهل سنت - از یک سو - و سیره ابن تیمیه در برخورد یک سویه و هدفمند با فضایل اهل بیت علیهم‌السلام - از دیگر سوی - نتیجه گرفته می‌شود که مجموعه احادیث «باب»، با طُرُق گوناگون و با سندهای صحیح و حَسَن در منابع اهل سنت وارد شده است. پس نظریه ابن تیمیه درباره حدیث «باب» - که مبتنی بر دیدگاه ابن جوزی و یک‌سویه‌نگریهای وی است - پذیرفتنی نیست.

۱. ر.ک: ابن تیمیه، ج ۴، ص ۳۱ - ۳۸؛ محمدبن عبدالوهاب، ج ۴، ص ۶۳ و ۶۴ (توجیه آیه «تطهیر» و شأن نزول آن)؛ ابن تیمیه، همان: ج ۴، ص ۵۲ - ۵۵ (عدم پذیرش نزول آیه «مباهله» در خصوص اهل بیت علیهم‌السلام)؛ همان: ج ۴، ص ۱۶۸ (تضعیف و توجیه حدیث «ثقلین»؛ همان: ج ۴، ص ۱۶۵ و ۱۶۶ (تضعیف حدیث «سفینه» و ادّعی این که هیچ اسناد صحیحی برای آن شناخته نمی‌شود)؛ همان: ج ۴، ص ۲۱۶ - ۲۵۲ (تضعیف حدیث «أقضا کم علی»؛ همان: ج ۴، ص ۲۴۸ - ۲۵۰ (توجیه حدیث «سلونی») و....

منابع

١. ابن ابی جمهور، احسانی. عوالی اللالی. قم: انتشارات سید الشهداء علیّه، ١٤٠٥ ق.
٢. ابن ابی الحدید. شرح نهج البلاغة. تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم. نشر: دار احیاء الکتب العربیة، چاپ: انتشارات کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
٣. ابن تیمیة حرانی. منهاج السنّة النبویة فی نقض کلام الشیعة و القدریة (منهاج الاعتدال فی نقض کلام أهل الرفض و الاعتزال). تحشیه و تخریج: عبدالله محمود محمد عمر. بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤٢٠ ق.
٤. ابن حجر عسقلانی. لسان المیزان. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ١٣٩٠ ق.
٥. ابن سعد. الطبقات الكبرى. بیروت: دار صادر.
٦. ابن عساکر. تاریخ مدینة دمشق. تحقیق: علی شیری. بیروت: دارالفکر، ١٤١٥ ق.
٧. ابویعلی موصلی تمیمی، أحمد بن علی بن مثنی. مسند أبی یعلی الموصلی. تحقیق: حسین سلیم أسد، دارالمأمون للتراث - دارالثقافة العربیة.
٨. احمد بن الصدیق مغربی. فتح الملک العلی بصحّة حدیث باب مدینة العلم علی. تحقیق: محمد هادی أمینی. اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین.
٩. إربلی، علی بن عیسی بن أبی الفتح. کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة. بیروت: دارالأضواء، ١٤٠٥ ق.
١٠. ألبانی، محمد ناصرالدین. ضعیف سنن الترمذی. تحقیق: زهیر الشاویش، ریاض: مکتبه الإسلامی، ١٤١١ ق.
١١. حاکم حسکانی، عبیدالله بن أحمد. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البیت. تحقیق: شیخ محمد باقر محمودی. مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة (التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی)، ١٤١١ ق.
١٢. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد. المستدرک علی الصحیحین. تحقیق: دکتر یوسف مرعشی، بیروت: دارالمعرفة، ١٤٠٦ ق.
١٣. حسینی میلانی، سید علی. دراسات فی منهاج السنّة لمعرفة ابن تیمیة (مدخل لشرح منهاج



الكرامة). قم: حقایق، ۱۴۲۶ ق.

۱۴. ذهبی، أبو عبدالله شمس الدين محمد بن أحمد. ميزان الاعتدال. تحقيق: علي محمد البجاوي،

بيروت: دارالمعرفة، ۱۳۸۲ ق.

۱۵. راغب اصفهانی. المفردات في غريب القرآن. دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴ ق.

۱۶. رضوانی، علی اصغر. ابن تیمیّه مؤسس افکار و هأییت. قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵ ش.

۱۷. ———. مرجعیت دینی أهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات. قم: مسجد مقدس جمکران،

۱۳۸۶ ش.

۱۸. زمخشری، محمود بن عمر. الفائق في غريب الحديث. بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۷ ق.

۱۹. سقاف، حسن بن علی. تناقضات الألبانی الواضحات. دارالإمام النووي، ۱۴۱۸ ق.

۲۰. سیوطی، جلال الدين محمد بن عبدالرحمن بن أبي بكر. الجامع الصغير. بيروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.

۲۱. ———. الدرّ المنثور في التفسير بالمأثور. نشر: دارالمعرفة، چاپ:

جدّه - فتح، ۱۳۶۵ ق.

۲۲. صالحی شامی، محمد بن يوسف. سبل الهدى والرشاد (سبل الهدى في سيرة خير العباد). تحقيق:

عادل أحمد عبدالموجود، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۴ ق.

۲۳. طبرانی لخمی، سليمان بن أحمد بن أيوب. المعجم الكبير. تحقيق: حمدى عبدالمجيد السلفى،

قاهره: مكتبة ابن تيمية.

۲۴. عبدالله بن الصديق المغربي الغمارى. ردّ اعتبار الجامع الصغير. (باب التيسير في ردّ اعتبار الجامع

الصغير). تحقيق: شيخ أحمد درويش. شيكاغو: مدرسه باز.

۲۵. عبدالله بن عدی جرجانی، أبو أحمد. الكامل في ضعفاء الرجال. تحقيق: دكتور سهيل. بيروت:

دارالفکر، زکار، ۱۴۰۹ ق.

۲۶. عجلونى جراحى، إسماعيل بن محمد. كشف الخفاء و مزيل الالباس. بيروت: دارالكتب العلمية،

۱۴۰۸ ق.

۲۷. علوى، سيد على بن محمد. دفع الارتباب عن حديث الباب. نشر: دارالقرآن الكريم، چاپ: شرف،

لیتوگرافی کرمانی.

٢٨. الفتنی، محمد طاهرین هندی. تذکره الموضوعات.
٢٩. قرطبی، أبو عبدالله محمد بن أحمد أنصاری. الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی). بیروت: مؤسسه التاريخ العربی، ١٤٠٥ ق.
٣٠. قندوزی حنفی، سلیمان بن إبراهيم. ینایع المودّة لذوی القربی. تحقیق: سیّد علی جمال أشرف الحسینی، دارالأسوة، ١٤١٦ ق.
٣١. مبارکفوری. تحفة الأحوذی فی شرح الترمذی. بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١٠ ق.
٣٢. متقی هندی. کنز العمال. تحقیق: شیخ بکری حیانی، شیخ صفوة الصفا. بیروت: مؤسسه الرسالة.
٣٣. محمد بن عبد الوهاب. المسائل التي لخصها شيخ الإسلام محمد بن عبد الوهاب من فتاوى ابن تيمية. رياض: دار عالم الكتب، ١٤٠٨ ق.
٣٤. مناوی، محمد عبدالرؤوف. فیض القدير شرح الجامع الصغير. تحقیق: أحمد عبدالسلام. چاپ و نشر: بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤١٥ ق.
٣٥. موفق خوارزمی، موفق بن أحمد بن محمد مکی خوارزمی. المناقب. تحقیق: شیخ مالک المحمودی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی (التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة)، ١٤١١ ق.
٣٦. هیشمی، نورالدین. مجمع الزوائد و منبع الفوائد. بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤٠٨ ق.